

سازمان ملل، صحنه زورآزمایی ابرقدرتها

می گذارم و به هر کار که دست می زنم، دم مبارک در آنجا هست»

شورای امنیت نیز هر تصمیمی بخواهد بگیرد و هر قطعنامه ای که تصویب کند، طبیعی است با منافع یکی از ابرقدرتها که دارای حق وتو هستند، تصادم پیدا کرده پا روی دم مبارک یکی از آنها خواهد گذاشت و با اعمال حق وتو از طرف دولت ذینفع، حقوق دولت های ضعیف پایمال خواهد شد.

شاید هنگام واگذاری حق وتو به اعضای دائمی شورای امنیت، تصور می شد که در موارد نادری از آن استفاده خواهد شد ولی تجربه نشان داد که این، یک تصور بیجانی است زیرا در هر مساله ای که در شورای امنیت مطرح می شد، به محض آنکه تصویب قطعنامه ای، منافع استعماری یکی از قدرتهای بزرگ جهان را به خطر می انداخت، با وتوی آن دولت روبرو می گشت، در بررسی کارنامه سازمان ملل، می بینیم که شوروی پارها از این حق استفاده کرده است زیرا این دولت در سال های اول فعالیت سازمان ملل متحد در اقلیت بود، از این رو برای جلوگیری از تصویب قطعنامه های مخالف خود، پارها قطعنامه های این سازمان را وتو کرد به طوری که از ۱۶ فوریه سال ۱۹۴۶ م تا ۲۰ ژوئن سال ۱۹۵۴ (یعنی ظرف هشت سال) شوروی ۵۷ بار از حق وتو استفاده کرد!! بدیهی است که این کار، چه قدر این سازمان بزرگ جهانی را فلج و ناتوان می سازد؟

گرچه قطعنامه های سازمان ملل پیرامون بحران های بین المللی، قدرت اجرایی نداشت و ندارد ولی نباید انکار کرد که تاکنون در چند مورد خاص، موثر واقع شده است از آن جمله در

سازمان ملل، صحنه زورآزمایی ابرقدرتها
گزارش کوتاه و مستندی از کارنامه

سازمان ملل متحد

ایران، چین، کنگو، و افغانستان از کشورهای هستند که با اعمال حق «وتو» از حقوق مسلم خود محروم گشته اند.

سازمان ملل متحد که پس از شکست «جامعه ملل» و احساس ضرورت تشکیل یک سازمان بین المللی، به منظور حفظ صلح جهان، در سال های آخر جنگ جهانی دوم، تشکیل گردید، متأسفانه از همان اوایل، در اثر اعمال نفوذ دولتهای بزرگ، کارائی و توانائی خود را در حل و فصل اختلاف ها و مسائل بین المللی، از دست داد و به صحنه زورآزمایی قدرتهای بزرگ جهان، مبدل گردید و بعد از کنفرانس «یالتا» در فوریه ۱۹۴۵ مفهوم ملل متحد را از دست داد و به صورت «دول متحد» زورمند درآمد زیرا در این کنفرانس، پیشنهاد شوروی مبنی بر تفویض حق وتو به کشورهای بزرگ و موسس اصلی این سازمان پذیرفته شد و همین امر، سازمان ملل متحد را به صورت مرجعی ناتوان در عرصه بین المللی درآورد.

می گویند: در زمان «عین الدوله» صدراعظم مقتدر و سختگیر زمان قاجار، یکی از رجال متنفذ به وی پیغام فرستاد که: «به عین الدوله بگویند این قدر پا روی دم ما نگذارد به ضررش تمام می شود»

عین الدوله در جواب او چنین نوشت:

«... امر مبارک اطاعت می شود، فقط تمنا دارم امر مقرر فرمائید ملازمان درگاه، حدود عرض و طول دم مبارک را تعیین فرمایند تا چاکر دقت لازم را مرعی دارد، چون هر جا که پا

ایران، چین، کنگو و افغانستان از کشورهای هستند که با اعمال حق «وتو» از حقوق مسلم خود محروم گشته اند

مهدی پیشوایی

چین در سازمان ملل شناخت. بدین ترتیب از سال ۱۳۳۴ شمسی، تایوان با جمعیتی در حدود ۱۰ میلیون نفر (۱) عضو سازمان ملل، و شورای امنیت و شورای قیمومت و سازمان‌های وابسته از قبیل سازمان یونسکو، سازمان بهداشت جهانی، سازمان بین‌المللی کار، و سازمان خواروبار و کشاورزی، بشمار می‌رفت، اما جمهوری خلق چین با داشتن ۷۵۰ میلیون نفر جمعیت، (۲) به واسطه مخالفت امریکا، از این سازمان جهانی مطرود بود و همین انزوای چین کمونیست از این مجمع جهانی که در حدود ۲۸ سال ادامه داشت، موجب بحراناها و جنگهای منطقه‌ای گردید و مشکلات فراوانی در جهان به وجود آورد.

پس از بیست و هشت سال انزوای چین هنگامی که سیاست جهانی امریکا ایجاب کرد کانال ارتباط با چین را برقرار کند، امریکا ناگزیر شد در برابر اصرار جمهوری خلق چین جهت عضویت در سازمان ملل، نرمش نشان دهد، به همین جهت پیش از آنکه رئیس جمهوری وقت امریکا به کشور چین کمونیست سفر کند، این کشور حرف خود را به کرسی نشاند، و پس از اخراج تایوان، در سال ۱۳۵۲ شمسی، به عضویت سازمان ملل درآمد.

لطفا ورق بزنید

سال ۱۹۵۶ م سازمان ملل توانست حمله انگلیس و فرانسه و اسرائیل را به مصر، متوقف کند و آنها را به تخلیه خاک اشغال شده مصر و ادار سازد. همچنین در بحران موشکی کوبا، این کشور را به دفاع و یا حمله دسته جمعی دول عضو سازمان، تهدید کرد، اما در همین چند مورد هم نفوذ سازمان ملل، بیشتر به دلیل نفوذ ابرقدرتها در سطح جهانی بوده است و علاوه، این چند مورد، در برابر دهها مورد دیگر که این سازمان اقدام موثری نتوانسته انجام بدهد، رنگ می‌بازد و این اقدامات محدود، با شهرت جهانی این سازمان تناسب ندارد.

مسأله چین

در سال ۱۹۴۹ که انقلاب چین پیروز شد و نیروهای «مانوتسه تونگ»، سرزمین‌های چین را تصرف کردند، و «چیان کای چک»، رهبر قبلی چین، همراه گروهی از هوادارانش به جزیره «تایوان» گریخت و در پناه ناوگان هفتم امریکا قرار گرفت، «مانوتسه تونگ» نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل نوشت و طی آن خواستار عضویت جمهوری خلق چین در این سازمان شد ولی از آنجا که مجمع عمومی سازمان ملل تحت نفوذ امریکا بود، تقاضای عضویت جمهوری خلق چین رد شد و سازمان ملل در اثر اعمال نفوذ امریکا، نماینده «تایوان» را یگانه نماینده مردم

سازمان ملل، صحنه در آزمائی ابرقدرتها

این نمونه به خوبی نشان می دهد که چقدر تصمیمات این سازمان بزرگ جهانی، با میل و اراده ابرقدرتها، این سو و آن سو می شود و چگونه بازیچه ابرقدرتها قرار می گیرد؟! جنگ کره

بروز جنگ «کره» و قانونی شمردن این جنگ از طرف امپریالیسم آمریکا، نمونه دیگری از نفوذ فوق العاده این دولت در شورای امنیت است توضیح اینکه در سال های اول ورود «تایوان» به سازمان ملل، دولت شوروی به عنوان اعتراض به حضور نمایندگان «چیان کای چک» در شورای امنیت، مدتی این شورا را تحریم کرد و از شرکت در جلسات آن خودداری ورزید. در همین زمان جنگ کره آغاز شد و آمریکا از غیبت نماینده شوروی در شورای امنیت، استفاده کرده با تصویب سه قطعنامه پیاپی در شورای امنیت، کره شمالی را متجاوز شناخت و از کشورهای عضو سازمان ملل خواست که نیروهای خود را برای مقابله با کره شمالی تحت رهبری ایالات متحده آمریکا قرار دهند. بدین ترتیب زیر پرچم سازمان ملل، و در پناه مشروعیت قطعنامه های شورای امنیت، پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) جنگ تمام عیاری را بر ضد کره شمالی آغاز کرد و ۱۸ کشور از اعضای سازمان ملل را، به جنگ کره شمالی کشاند. این رویداد نیز نفوذ فوق العاده آمریکا در سازمان ملل را به خوبی نشان می دهد.

کنگو و قتل لومومبا

یکی دیگر از نمونه های نفوذ فوق العاده ابرقدرتهاست استعمارگ در سازمان ملل متحد، واقعه کنگو و قتل «لومومبا» قهرمان ملی آفریقا و نخست وزیر قانونی این کشور می باشد. ماجرا از آنجا آغاز شد که دولت «بلژیک» که سالها معادن گرانبهای کنگو را به غارت برده و مردم این کشور را در فقر و بدبختی و محرومیت نگهداشته بود، در سال ۱۹۵۸ در برابر اقدامات آزادیخواهانه روز افزون مردم کنگو، مجبور شد به آنان اجازه تاسیس احزاب ملی را بدهد.

لومومبا با استفاده از این آزادی «حزب نهضت ملی کنگو» را تاسیس نمود. این حزب در انتخابات سال ۱۹۶۰ با اکثریت قاطع، سایر احزاب را شکست داد و دولت ملی و قانونی کنگو توسط لومومبا تشکیل گردید.

دولت بلژیک که منافع استعماری دیرینه خود را در خطر می دید، مزدوران خود را به رهبری شخصی بنام «چومبه» به توپنه و کارشکنی بر ضد لومومبا واداشت. چومبه، ایالت «کاتانگا» را تجزیه نموده با پشتیبانی نیروهای بلژیکی به مخالفت با دولت مرکزی برخاست.

لومومبا از سازمان ملل کمک خواست، نیروهای سازمان ملل، وارد کنگو شدند ولی با کمال تعجب، بجای کمک به دولت قانونی مرکزی، مانع رسیدن کمک از سایر استانها به لومومبا شدند. نماینده سازمان ملل که به دعوت لومومبا، و برای رسیدگی به مشکلات دولت مرکزی و قانونی وارد کنگو شده بود، بجای دیدار با لومومبا که توسط مزدوران استعمار زندانی شده بود و در سخت ترین شرایط غیر انسانی بسر می برد، با چومبه ملاقات کرد!

سرانجام لومومبا توسط ایادی استعمار با وضع فجیعی به قتل رسید و کنگو تجزیه شد و این فاجعه در کارنامه تبعیض آفرین سازمان ملل به ثبت رسید!

ایران

در باره فلسطین و جنگ دهساله ویتنام و فاجعه جنوب لبنان، نیازی به توضیح نیست و همه کس می داند که سازمان ملل، در این مناطق نتوانسته گره از مشکلات بگشاید. اما تازه ترین موردی که توانائی بی طرفی سازمان ملل در آن به آزمایش گذاشته شده، حادثه ایران و اشغال افغانستان است. جمهوری اسلامی ایران در بحران جاری با آمریکا درخواست تشکیل جلسه شورای امنیت به منظور استرداد شاه مخلوع و اموالی که با خود به یغما برده است نمود، شورای امنیت به تقاضای ایران ترتیب اثر نداد، ولی به محض آنکه آمریکا چنین تقاضائی را به منظور

گزارش کوتاه و مستندی از کارنامه سازمان ملل متحد

باره خروج شوروی از این کشور، قطعنامه‌ای صادر کند، سیزده عضو از پانزده عضو شورای امنیت. به خروج شوروی رای موافق دادند. اما شوروی آن را «وتو» کرد.

ناگزیر مجمع عمومی فوق‌العاده سازمان ملل به منظور رسیدگی به این مساله تشکیل گردید و با اکثریت ۱۰۴ رای موافق، تصویب کرد که نیروهای خارجی، بدون قید و شرط، افغانستان را ترک گویند.

اما شوروی این پاره‌م با بی‌اعتنایی کامل به افکار جهانیان و آرای قاطع مجمع عمومی، با استفاده از ضعف این سازمان که از بافت داخلی آن سرچشمه می‌گیرد، از اجرای رای مجمع عمومی سرباز زد و کماکان به تجاوز نظامی خود ادامه داده مسلمانان مجاهد افغانستان را سرکوب می‌کند.

این بود گوشه‌ای از کارنامه این سازمان بزرگ جهانی و دلایل ناتوانی آن در صحنه بین‌المللی، و تا روزی که در به همین پاشنه می‌چرخد، و تا روزی که در پرتو پیشرفت جنبش‌های رهایی بخش جهان، در روال کار این سازمان، تجدید نظر نشود، بیش از این نمی‌توان از این امامزاده انتظار معجزه داشت. بر این اساس بود که جمهوری اسلامی ایران، در بحران اخیر خود با آمریکا، روی قدرت ملی و نیروی ایمان و انقلاب خود حساب کرد نه سازمان ملل! (۳)

۱ - منابع: جهان در قرن بیستم: لویس ل اسنایدر ترجمه دکتر محمدابراهیم آیتی - پاتریس لوموبا ترجمه جمشیدی - کیهان شماره ۱۰۸۷۱

۲ - براساس امار منتشر شده در سال ۱۹۶۴ تعداد جمعیت تایوان ۱۱/۶۱۲۰۰۰ نفر بوده که حتما هنگام پذیرفته شدن به عضویت سازمان ملل از این مقدار کمتر بوده است.

۳ - این آمار مربوط به آن سالهای گذشته است و اکنون جمعیت چین کمونیست در حدود ۹۰۰ میلیون نفر است.

آزادی گروگانهای آمریکائی کرد، شورای امنیت تشکیل جلسه داد و عمل ایران را در باره گروگان گیری جاسوسان آمریکا تقبیح کرد. دادگاه لاهه نیز که به تقاضای آمریکا تشکیل شد، به نفع امریکا رای صادر کرد.

دادگاه لاهه و شورای امنیت، در بررسی قضیه، توجهی به تقاضای مشروع و منطقی دولت ایران نشان ندادند و آمریکا با کمال بی‌اعتنایی به خواست‌های منطقی ایران، برای جلوگیری از افشای جنایات خود، محمدرضا پهلوی را به کشور پاناما منتقل ساخت.

جالبتر (و اسف‌انگیزتر) این است که دبیرکل سازمان ملل، در سفر به اصطلاح حقیقت یایی خود که به ایران کرد، در برابر این سؤال که چرا یک سال پیش که به ایران سفر کرد، به نامه‌های گروه‌های سیاسی مبارز که از جنایات رژیم گذشته شکایت کرده بودند، پاسخ نداد، اظهار داشت: می‌خواستم جواب بدهم ولی دولت وقت اجازه نداد! گویا سازمان ملل و دبیرکل آن قرار است به شکوه‌های مردم و پایمال شدن حقوق انسانی آنان، پس از سقوط رژیم جنایتکار رسیدگی کنند و به حقوق و خواستهای مشروع ملل ستم‌دیده، فقط از کانال حکومت‌های متجاوز و ثبت شده پاسخ گویند! حال اگر ملتی دهها سال نتوانست چنین رژیم‌هایی را سرنگون سازد، سازمان ملل بی‌اجازه رژیم حاکم از رسیدگی به شکایات آنان معذور است! بدین ترتیب ماهیت سازمان ملل و منطق آن در رویارویی با مشکلات و حقوق از بین رفته ملل، بهتر روشن می‌گردد.

افغانستان

اخیرا که رژیم ضد انقلابی «پیرک کارمل» با یک کودتای روسی، در افغانستان روی کار آمد و شوروی به افغانستان تجاوز نظامی کرد، تجاوز شوروی از طرف کشورهای مختلف شرقی و غربی شدیداً مورد اعتراض قرار گرفت و بنا به درخواست گروهی از کشورهای غیر متعهد، شورای امنیت تشکیل جلسه داد تا در